



انترناسیونال

۲۴۵

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۳ خرداد ۱۳۸۷، ۲۳ می ۲۰۰۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



حمید تقوایی

حکومت مذهبی است و مردم ایران هم اکثراً مردم مذهبی هستند) بخود جلب کند؟ درست است که

صفحه ۳

مذهب و

جمهوری سوسیالیستی

مطلب حاضر، متن پیاده شده مصاحبه تلویزیون انترناسیونال با حمید تقوایی است که در آن کیوان جاوید، ابتدا سنووال یکی از بینندگان و سپس سنوالات خودش را با وی در میان می گذارد. این متن بوسیله هادی وقفی پیاده و تایپ شده است

سؤال: چگونه ممکن است حزبی که اسم خودش را حزب کمونیست گذاشته است، بتواند در آینده سیاسی ایران حمایت اکثریت مردم ایران را (با توجه به اینکه حکومت ایران یک

هفت تپه، در سها و دستاوردها



اصغر کریمی

دستاوردهای مهمی رسیده اند و درس های تازه ای به جنبش کارگری ایران داده اند.

از جمله نقاط مثبت اعتصاب مهرماه سال قبل، اتحاد و یکپارچگی کارگران، روحیه تعرضی که خود را در اعتصاب طولانی مدت و تجمعات اعتراضی همزمان نشان میداد، اطلاع رسانی به جامعه و استفاده همه روزه از هر رسانه ای که حاضر بود صدای کارگران را منعکس کند و اعتماد نکردن به وعده وعیدها و پافشاری بر قدرت خود از طریق اعتصاب و تجمع بود. این اعتصاب در سهای بزرگی به کارگران هفت تپه داد و توده کارگر را به گوشه ای از قدرت خود و راه دنبال کردن مطالباتشان آگاه کرد. اعتصاب امروز تنها با اتکا بر آن اعتصاب و با درس گیری از تجارت آن بود که توانست گامهای بلند دیگری به جلو بردارد و درس های تازه تری به کارگران نیشکر و کل طبقه کارگر بدهد. لازم به یادآوری است که مبارزه کارگران نیشکر به این دو اعتصاب محدود نمیشود. در فروردین ماه نیز کارگران نیشکر اعتصاب شش روزه سازمان دادند و در طول این هفت ماه پیشرفته از خود به جا گذاشته اند، به

مقایسه دو اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه در طول هفت ماه گذشته، برای کسی که میخواهد روند تحولات جنبش کارگری در ایران را بررسی کند بسیار مفید و آموزنده است. در مهرماه ۸۶ کارگران نیشکر هفت تپه اعتصاب یازده روزه ای ترتیب دادند که حاوی تجارب و در سهای بزرگی بود. کارفرما به یکی از مطالبات کارگران یعنی پرداخت حقوق معوقه گردن گذاشت و کارگران با يك التیماتوم ۱۵ روزه به اعتصاب پایان دادند. اعتصاب جاری که از ۱۶ اردیبهشت شروع شده و امروز دوم خرداد هیجدهمین روز خود را پشت سر گذاشته است، هنوز به هیچیک از مطالبات خود نرسیده است اما در مقایسه با اعتصاب مهرماه گامهای بزرگی به جلو گذاشته و درس های بمراتب بزرگتری به طبقه کارگر داده است.

هفت ماه پیش در مطلبی تحت عنوان درس بزرگ اعتصاب نیشکر هفت تپه به نقاط قوت و ضعف اعتصاب ۱۱ روزه کارگران نیشکر در مهرماه ۸۶ اشاره کرده بودم. اکنون هفت ماه از آن اعتصاب بزرگ و بیاماندنی گذشته است، در طول این هفت ماه کارگران بارها اعتصاب کرده و دست به تجمع زده اند. اعتصاب جاری نیز محصول اعتصابات دوره قبل و تجارب کارگران و رهبران آنها در طول اعتصابات گذشته و در عین حال محصول شرایط کنونی کارگران و کل جامعه است. کارگران هفت تپه اکنون رکورد جدیدی از يك مبارزه طولانی و پیشرفته از خود به جا گذاشته اند، به



محمد آسنگران

باز هم اوج گرفته است مسله چیست؟ **محمد آسنگران:** با سلام به شما و بینندگان و شنوندگان تلویزیون، بحران از اینجا شروع شد که دولت لبنان یا همان بخش اکثریت در قدرت، (زیرا قبلاً حزب الله که در

صفحه ۵

در مورد بحران لبنان

مصاحبه زیر بر اساس گفتگویی در تلویزیون کانال جدید تنظیم شده است

کانال جدید: محمد آسنگران به برنامه کانال جدید خوش آمدید. اولین سوالم این است که بحران لبنان



گوشه ای از مبارزات کارگران نیشکر هفته تپه اطلاعیه های حزب را در صفحات ۷ و ۸ بخوانید

گشتهای "امنیتی و انتظامی" گویای وحشت حکومت است

... و

ص ۴

کاظم نیکخواه

در حاشیه رویدادها

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ هفت تپه، در سها...

در ماههای قبل از آن نیز همراه برای گرفتن دستمزد خود به اعتصاب و تجمع دست زده اند. اما پیشروی های کارگران در اعتصاب جاری چه بوده است و چه فاکتورهائی این اعتصاب را از دور قبل متمایز میکند؟ اگر کارگران هنوز به هدف اعتصاب یعنی مطالبات خود نرسیده اند، پس چه دستاوردی داشته اند؟

در سهای اعتصاب اردیبهشت - خرداد

هفت ماه قبل کارگران نیشکر چند بار تهدید کردند که اگر به خواست هایشان رسیدگی نشود، اعضای خانواده هایشان نیز به تجمع آنها خواهند پیوست. اما هیچگاه تهدید خود را عملی نکردند. اینبار در یازدهمین روز اعتصاب، بخشی از خانواده های کارگران به تجمع کارگران پیوستند و از همان روز، راهپیمائی نیز به حرکت کارگران اضافه شد و در صف اول آن زنان به حرکت درآمدند. تعدادی از جوانان و مردم شهر شوش تحت تاثیر این مساله به صف کارگران پیوستند. این یک اتفاق مهم بود، نقطه عطفی در مبارزه کارگران بود. حضور اعضای خانواده های کارگران در راهپیمائی سرعت چهره شهر شوش را عوض کرد. تا آن روز کارگران چندین بار دست به تجمع زده بودند اما کسی به تجمع آنها نپیوسته بود. خود کارگران نیز چندان مشوق پیوستن کسی نبودند. میگفتند اعتصاب ما صنفی است و چهره محدودی از مبارزه خود میدادند. اینبار چهره این مبارزه بسیار تغییر کرده است. به یک رودرروئی تمام و کمال کارگران و مردم شوش با رژیم تبدیل شده است. فضای شهر شوش و بدرجات شهرهای اطراف تحت تاثیر آن قرار گرفته است. مردم شوش خود را در این حرکت شریک میدانند، کارگران نیشکر در واقع سنگری ایجاد کرده اند که مردم به آن پیوندند. اعتصاب و تجمعات سال قبل چنین نبود. اکنون شهر به نفع کارگران تکان خورده است. روحیه جدیدی بر مردم شهر حاکم شده و تصویر یک مبارزه توده ای در اذهان عمومی شکل گرفته است. این یک فاکتور مهم در ارزیابی این حرکت به حساب میاید.

کارگران به تجربه دریافته بودند که باید هرچه بیشتر قدرتمند به میدان بیایند و به همین دلیل خانواده ها و جوانان را تشویق به شرکت در تجمعات خود کردند و اعتصابشان اینبار حال و هوای دیگری پیدا کرد. دو فاکتور مهم دیگر ارتقاء مطالبات کارگران و حمایت فعال و سرسختانه از رهبران اعتصاب است. خواست اخراج عوامل سرکوب از جمله رئیس حراست و لغو پرونده سازی علیه رهبران آنها و لغو احضار آنها به دادگاه از جمله خواست های اعتصاب اردیبهشت - خرداد است. کارگران همیشه از رهبران خود حمایت کرده بودند اما اینبار با خواست هائی روشن و تعرضی به میدان آمده و با چنگ و دندان در مقابل دادگاهی کردن رهبران خود ایستادند و هزاران نفر از کارگران، روز دادگاهی کردن رهبران خود در مقابل دادگاه و فرمانداری دست به تجمع زدند و رهبران خود را همراهی کردند. روز قبل از آن نیز با مارش باشکوه خود در خیابانهای شوش اعلام کردند کارگر زندانی آزاد باید گردد و بدینسان نه تنها خواهان کارگران فی الحال زندانی شدند بلکه به حکومت اعلام کردند چنانچه رهبرانمان دستگیر شوند باز هم در خیابانها با این شعار راهپیمائی خواهیم کرد. حفاظت از رهبران یک اعتصاب که بیش از همه زیر ضرب حکومت قرار میگیرند، مهمترین موضوع یک اعتصاب است. کارفرما و حکومت به درجه ای موفق به عقب راندن کارگران و مرعوب کردن آنها میشوند که موفق به مرعوب کردن رهبران آنها، دستگیری و پاپوش دوزی علیه آنها شوند و آنها را تک و تنها به دادگاه و زندان بکشانند. اینبار هزاران کارگر هفت تپه چنان در کنار رهبران خود ایستادند که این حربه رژیم را به ضد خود تبدیل کردند. در چنین فضائی روز ۳۱ اردیبهشت رژیم دادگاه را ناتمام گذاشت و حکمی صادر نکرد. کارگران گام دیگری برداشتند و رهبران خود را با تصاویر آنها به جامعه معرفی کردند. اینها سنت های تازه ای است که کارگران هفت تپه در مسیر پیشروی به آن دست زده اند. و این اجازه میدهد که نسل جدیدی از رهبران کارگری قدم جلو بگذارند و صف

رهبری کارگران را تقویت کنند و نیروی تازه ای به آن بدهند. رهبران کارگری باید احساس یک پشتوانه قوی کنند و این پشتوانه تنها در پرتو حمایت فعال و گرم توده کارگران عملی میشود. نسل جدید و جوانتر رهبران کارگری خواه ناخواه باید به جلو صحنه بیایند اما زمانی این بخوبی عملی میشود که رهبران قبلی در آغوش کارگران جای گرفته باشند، و نه فقط این بلکه احساس کنند که توده کارگر آنها را موقع احضار و زندان تنها نمیگذارند. در این اعتصاب این فاکتور عملی شد و راه برای جلو آمدن رهبران تازه هموار گردید. فضای کنونی مشوق دهها رهبر تازه کارگری است که با اعتماد بنفس برای رهبری مبارزه اعلام آمادگی کنند. نسلی که در طول اعتصاب یازده روزه مهر ۸۶، اعتصاب ۶ روزه فروردین ۸۷، اعتصاب بزرگ کنونی و چندین اعتصاب و تجمع در طول یکسال گذشته تجارب پربراری اندوخته است.

کارگران هفت تپه در سهای زیادی در این اعتصاب آموختند و در سهای زیادی برای کل طبقه کارگر به ارمان آوردند.

دستاوردها

و موفقیت کنونی اعتصاب

با گسیل نیروهای سرکوب از شهرهای اهواز و دزفول و خرم آباد به شهر شوش، کارگران به تجمعات خیابانی و راهپیمائی موقتاً پایان دادند و به سنگر کارخانه برگشتند. اما حتی اگر حکومت نظامی در کار نبود، کارگران برای جلوگیری از فرسودگی و برای تجدید قوا نیازمند ایجاد وقفه در راهپیمائی و تجمعات در شهر بودند. اکنون کارگران به اعتصاب ادامه میدهند و امروز نیز در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند و بر خواست خود پافشاری کردند. گفته میشود که بیش از ۲۰ نفر از کارگرانی که روز ۱ خرداد در خیابان دستگیر شده بودند آزاد شده و در تجمع امروز شرکت داشته اند. خواستهای کارگران هنوز برآورده نشده است. نه دستمزدها پرداخت شده، نه پرونده سازی ها پایان یافته و نه عوامل سرکوب اخراج شده اند. بعلاوه بالاتکلیفی از آینده کارخانه و ادامه کار همچنان مشغله کارگران است. اما کارگران متحد و یکپارچه اند و روحیه اعتراضی بالائی بر آنها

حاکم است. کارگران احساس پشتگرمی بیشتری میکنند، مردم و بویژه جوانان شهر شوش آمادگی خود را برای حمایت از کارگران با پیوستن به چندین راهپیمائی نشان داده اند. همسران کارگران همیشه در کنار کارگران بوده اند و اینبار بر سنتها و موانع حاکم غلبه کرده و به تجمعات پیوسته اند. سه مرکز کارگری بزرگ در خوزستان و بیش از ده مرکز و تشکل کارگری در سایر نقاط کشور، با کارگران هفت تپه اعلام همبستگی کرده اند. در واقع کارگران نسبت به شروع اعتصاب از نیروی بیشتری برخوردارند و این کارگران را در موقعیت مساعدی برای پیگیری خواستههایشان و تداوم مبارزه شان قرار داده است. اینها دستاوردهای بزرگی است که باید به حساب بیاید و مهمتر، سازمان داده شود و گسترش یابد. گام بعدی با اتکا به این نقاط قوت تسهیل میشود. اکنون تشکیل هرروزه مجمع عمومی در درون کارخانه تا زمانی که اعتصاب برقرار است، تجدید قوا، تلاش برای انعکاس گسترده تر این مبارزه و جلب همبستگی وسیع و همگانی از آن و بررسی زمان مناسب برای بازگشت به خیابان در دستور کار کارگران قرار میگیرد.

نقطه ضعف، سازمان،

مجمع عمومی

و کمیته اعتصاب:

در آبان ۸۶ کارگران در بیانیه شش ماده ای خود اعلام کردند که تشکیل سندیکا حق کارگران است و نیز اعلام کردند که هر هفته پنجشنبه ها مجمع عمومی خود را در کارخانه برگزار میکنند. متأسفانه کارگران موفق به عملی کردن این خواستها نشدند و همچنان فاقد سازمان هستند. اکنون در پرتو این پیشروی و فضای اعتراضی باید آنها را عملی کنند. باید عملاً شروع به تشکیل مجمع عمومی خود کنند و در مورد تداوم مبارزه و اشکال و چگونگی آن به بحث و تصمیم گیری جمعی بپردازند. این ظرفی است که اتحاد کارگران را عمیقتر میکند، بسیاری از توطئه ها را در نطفه خفه میکند، امکان مشارکت به همه کارگران میدهد، نسل جدید رهبران کارگری را به جلو صف کارگران هدایت میکند، و بعلاوه امکان شرکت خانواده های کارگران را نیز فراهم میکند. خانواده های کارگران حق

دارند در مجمع عمومی کارگران شرکت کنند، از تصمیمات جمعی کارگران مطلع شوند، صحبت کارفرما را بشنوند، از گامهای بعدی مبارزه و نیز آینده وضعیت کارخانه و کار کارگران با خبر شوند. کار کارگران و مطالبات آنها به همه اعضای خانواده های کارگران مربوط است و مجمع عمومی امکان مداخله آنها را نیز فراهم میکند. خانواده ها فعالترین و آماده ترین نیروی حامی کارگران اند و باید راه دخالت و شرکتشان را مهیا نمود. این نیروی است که خوشبختانه اینبار بر موانع غلبه کرد و بخشی از آن در صف کارگران قرار گرفت، این مبارزه را عمق بیشتری داد، فضای تازه ای بر آن حاکم کرد و بسیار بر اهمیت این مبارزه افزود. گام بعدی به حساب آوردن این نیرو، از بین بردن موانع شرکت همه خانواده ها، دخالت دادن آنها در بحث ها و تصمیمات، و تلاش برای سازماندهی آنها به اشکال بسیار موثرتر است.

ابزار دیگر، کمیته اعتصاب است که باید به موازات مجمع عمومی، برای هدایت اعتصاب شکل بگیرد. رهبران دور قبلی زیر ضرب پلیس و دادگاهها، طیف جدید رهبران کارگری باید متشکل شوند تا اعتصاب صاحب ابزاری برای رهبری خود شود. کمیته اعتصاب قطعاً از تجارب و توانائی های کارگران قدیمی تر نیز بهره مند خواهد شد. کمیته اعتصاب و مجمع عمومی دو ظرف مهم و مکمل هم برای هدایت مبارزه کارگران است و باید سازمان داده شود. در غیاب این ابزارها، توان کارگران بخوبی سازمان داده نمیشود، امکان دخالت فعال توده کارگران فراهم نمیشود، نقشه های پاختورده در جمع کمیته اعتصاب و مجمع عمومی مقابل کارگران قرار داده نمیشود و شکافها و دودستگی هائی که مدام کارفرما و دولت سعی در آن دارند بیشتر زمینه بروز می یابد. و نسنجیدگی در تاکتیک های اعتصاب و چپ و راست زدن زیاد میشود. بویژه موقعی که مبارزه به خیابان کشیده میشود، اگر مبارزه سازمان محکم نداشته باشد و روی شیوه های مبارزه و مسائل قابل پیش بینی و غیره بحث و تصمیم گیری نشده باشد، امکان خارج شدن کنترل از دست رهبران مبارزه وجود دارد. فعالین و رهبران کارگری باید

از صفحه ۱ مذهب و جمهوری اسلامی ...

خواستہ های شما، خواسته های اکثریت مردم است. مردم فشار زیادی روی شان است. دستمزدها پایین است. اما با اینحال نمی توانند دولتی را قبول کنند که عنوان کمونیستی دارد! چرا؟ چون هر چقدر که شما بگویید که دولت شوروی سابق، سوسیالیستی نبود و حکومت سوسیالیستی - کمونیستی را درست اجرا نکرد، در هر حال، ذهنیت مردم نسبت به آن تجربه منفی است. چگونه می توان با توجه به ترس و وحشتی که مردم ایران از یک حکومت کمونیستی دارند و در مقابل اش گارد و موضع می گیرند، توجه اکثریت مردم را به حزب شما جلب کرد؟

کیوان جاوید: بله، سؤال این است که این دوستان می گویند هم حکومت مذهبی است، هم مردم مذهبی اند. چگونه حزب کمونیست کارگری می تواند مردم را به طرف خود جلب کند؟ اگر صلاح می دانید از همین جا شروع کنیم.

حمید تقوایی: بله، این نکته مهمی است. ایشان می گویند که حکومت مذهبی است و مردم هم مذهبی اند. قسمت اول صحبت شان درست است، ولی بنظر من در اینکه مردم مذهبی اند می بایست اندکی تأمل کنیم. خب خیلی از مردم ایران بالاخره مسلمان زاده شده اند یا خودشان را مسلمان می دانند و یا در هر حال می شود گفت بعنوان یک عقیده شخصی به خدا و مذهب اعتقاد دارند. ممکن است اکثریت اینطور باشد ولی این هیچ ربطی به حکومت و رابطه مردم با حکومت ندارد. من فکر می کنم اکثریت قریب به اتفاق مردم از اسلام حاکم و حکومت مذهبی متنفراند. از نظر سیاسی مردم ضد حکومت مذهبی اند و دقیقاً همین مذهب سیاسی، همین اسلام سیاسی است که حزب ما بر علیه اش مبارزه می کند.

بنابراین، خیلی مهم است که میان باورها و عقاید شخصی افراد مثل اعتقاد به خدا یا اعتقاد به روز معاد و غیره با موضع گیری سیاسی شان تفاوت قائل شد. جمهوری اسلامی به دلیل عقاید مذهبی مردم نیست که دارد حکومت می کند. این حکومت بزور دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام خودش را سر پا نگاه داشته

است. ایشان سؤال شان طوری است که گویا حکومت مذهبی است و مردم هم مذهبی اند و به همین دلیل این حکومت بر سر کار است و به دهد. کاملاً بر عکس، این رژیم علیرغم میل مردم حکومت میکند. مردم از این حکومت متنفر اند و این حکومت را نمی خواهند. فکر می کنم خواست هایی مثل جدایی مذهب از دولت، از آموزش و پرورش و جمع کردن بساط آن از کل جامعه و از زندگی خصوصی و عروسی ها و جشن های مردم، خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران است. در عین حال که ممکن است وقتی با خیلی ها صحبت میکنید خودشان را مسلمان بدانند. گرچه در اینمورد هم باید گفت مردم خیلی کمتر از زمان سابق، خیلی کمتر از زمان حکومت شاه، حتی بعنوان یک عقیده شخصی مذهبی باشند. دقیقاً به این خاطر که این حکومت، ماهیت ارتجاعی مذهب و قوانینی مثل قصاص یا برخوردی را که مذهب نسبت به زنان دارد، مخالفتی که با یک زندگی شاد و یک جامعه مدرن دارد، همه این واقعیات را به مردم نشان داده است. همه اینها را مردم دیده اند و خیلی ها اعتقادشان به خرافه مذهب را تماماً از دست داده اند.

ولی در هر حال بحث من بر سر عقاید شخصی نیست. حتی اگر فرض کنیم که خیلی از مردم خودشان را مسلمان یا مذهبی بدانند، در این تردیدی نیست که از نظر سیاسی، اکثریت قریب به اتفاق مردم سکولار هستند، علیه اسلام سیاسی حاکم هستند و خواستار جدایی مذهب از دولت، از آموزش و پرورش، از شئون اجتماعی و حتی دخالت مذهبی در زندگی خصوصی افرادند.

کیوان جاوید: خوب، حمید تقوایی این دوستان شاید بگویند یا سؤال اینطور باشد که حکومت اسلامی، ایدئولوژی اسلامی دارد و کمونیست ها هم ایدئولوژی کمونیستی دارند! مثلاً خدا را، مذهب را، مراسم مذهبی مردم را قبول ندارند، مسجد و اذان گفتن در مسجد را قبول ندارند و مسائل دیگر که نمونه اش را هم آوردند و گفتند که

در شوروی حکومت کمونیستی حاکم بود و دیدیم که نتیجه اش چه شد! خواسته های مردم درست! مردم حکومت مذهبی نمی خواهند و می گویند مذهب نباید در دولت دخالت کند، مذهب سیاسی را در حاکمیت نمی خواهند. اما، فکر می کنند با رفتن آن یک ایدئولوژی دیگری بر بالای سرشان حاکم خواهد شد! آنها از فردا قوانین دیگری می گذارند که مخالف قبلی ها خواهد بود. شما چه می گویند؟

حمید تقوایی: بله، البته این نکته را شما مطرح کردید و در سؤال ایشان مسئله ایدئولوژی مطرح نبود. (البته من اینرا هم جواب می دهم). در سؤال ایشان مسئله این بود که با توجه به تجربه شوروی، مردم نظر خوشی نسبت به حکومت کمونیستی ندارند. قبل از هر چیز باید بگویم که همین سؤال نشان میدهد قضاوت مردم سیاسی است و هیچ ربطی به مذهبی بودن یا نبودن آنان ندارد. مردم بخاطر مسلمان بودنشان نیست که در مورد کمونیسم تردید می کنند بلکه به این خاطر است که با یک تجربه شکست خورده ای مثل شوروی مواجه بوده اند و باید به همین مساله جواب داد. جواب من اینست که تجربه شوروی هیچ ربطی به کمونیسم ندارد. به آن آزادیخواهی، برابری طلبی و انسان دوستی که حزب ما نمایندگی می کند و در برنامه "یک دنیا بهتر" و

در هر تبلیغات، در هر عمل و در هر موضع گیری حزب ما هم منعکس است ربطی ندارد. سوسیالیسم و نظام سوسیالیستی اساساً چیزی متفاوت و مغایر با آن سیستمی است که به اسم سوسیالیسم در شوروی پیاده شد. در هر حال قضیه این نیست که چون مردم مسلمان اند، از شوروی بدشان می آید. عبارات دیگر اگر این شوروی می توانست آن کمونیسم کارگری که ما صحبت اش را می کنیم، پیاده کند، مردم طرفدارش می شدند و اسلام هم در اینجا هیچ نقشی بازی نمی کرد. اگر واقعاً یک حکومت کمونیستی، آزادی، برابری و رفاه را بیاورد، من فکر نمی کنم مردم بخاطر عقاید مذهبی شان، با آن مخالف باشند.

تا آنجا که به مساله مذهب مربوط میشود اتفاقاً آزادی مذهب را هم فقط حکومتی که ما می گوئیم، حکومت سوسیالیستی، برسمیت می شناسد. آزادی مذهب

بعنوان امر خصوصی افراد. آن جمهوری سوسیالیستی که ما می گوئیم هیچ نوع مذهب رسمی ندارد و بنابراین هیچ مذهبی بر مذهب یا ایده دیگری، امتیاز و برتری ندارد و قوانین هم از هیچ مذهبی تبعیت نمی کنند. مردم می توانند هر مذهبی داشته باشند یا هیچ مذهبی نداشته باشند ولی در برابر قانون شهروندان آزاد، برابر و یکسان محسوب شوند. تنها حکومتی می تواند این کار را بکند که بگوید و اعلام کند که مذهب رسمی نداریم و مذهب هیچ ربطی به دولت و قوانین ندارد. مذهب حتی به اخلاقیات هم نباید ربطی داشته باشد و تنها باید بعنوان امر شخصی و خصوصی افراد برسمیت شناخته شود. این چیزی است که جمهوری سوسیالیستی تضمین می کند.

در مورد مساله حکومت ایدئولوژیک هم باید بگویم نباید این حکومتی را که ما میخواهیم با حکومت های مذهبی و یا حکومت های ایدئولوژیک دیگر مقایسه کرد. حکومتی که ما می گوئیم، به هیچ وجه ایدئولوژیک نیست. حکومتی است که پایه و اساس اش بر شوراها و مردم استوار است و شوراها و مردم بطور مستقیم در تصمیم گیری ها و اداره امور دخالت می کنند. آزادی سیاسی بی قید و شرط بر آن حاکم است و هر حزبی با هر مرامی و با هر خط و سیاستی می تواند فعالیت کند و مشروط بر اینکه بتواند در شوراها نظر و توجه مردم را جلب کند طبعاً می تواند در حکومت هم نقش ایفاء کند. به همین خاطر، حکومتی که ما بعنوان جمهوری سوسیالیستی از آن صحبت می کنیم، نه تنها یک حکومت ایدئولوژیک نیست بلکه یک حکومت تک حزبی هم نیست. حکومت شوراهاست و احزاب اگر بخواهند در حکومت دخالت کنند باید رأی و نظر شوراها را جلب کنند.

کیوان جاوید: سؤال دیگرم را اینطور مطرح کنم که اگر مثلاً، یک آخوند بخواهد رئیس یک شورا شود، امکان و اجازه دارد؟ یا هر کس دیگری که ایدئولوژی خاصی دارد. سلطنت طلب است، طرفدار سرمایه داری یا غیره است.

حمید تقوایی: مسلم است، بشرط آنکه بتواند در شوراها مردم رای بیاورد. البته آخوندی که در این

حکومت، دست اش به خون مردم آغشته است و جرم جنایی دارد، خوب، بحث جدایی است و باید پرونده اش بررسی و محاکمه شود تا تکلیف اش روشن شود، ولی علی العموم هر کسی که - فرض کنید - معمم است یا خودش را مسلمان و یا سلطنت طلب می داند یا هر چیز دیگری، می تواند فعالیت سیاسی کند، در شوراها نظرش را تبلیغ بکند و اگر رأی و نظر مردم را جلب کند، خوب، انتخاب می شود. البته حزب ما هم انسانیت را نمایندگی می کند، خرافات مذهبی را نقد می کند، خرافات ناسیونالیستی را نقد می کند و مردم می شنوند و تشخیص می دهند مواضع شان و خواست شان چیست و انتخاب می کنند. به این معنا، جمهوری سوسیالیستی و حکومت شورایی هیچ نوع محدودیتی بر سر راه فعالیت سیاسی هیچ کسی نمی گذارد.

کیوان جاوید: شما گفتید حکومت کمونیستی، حکومتی ایدئولوژیک نیست و مذهب هیچ تأثیری در دولت ندارد و معتقدید هیچ نوع ایدئولوژی نباید در دولت باشد. در تمام جوامع مردم دولت را اینطور انتخاب می کنند که دولت برنامہ ای جلو مردم می گذارند. مثلاً می گویند نان تان را زیاد می کنیم، آب، بهداشت و امکانات فراهم می کنیم، کرایه خانه را کم می کنیم و به هر حال یک بیلانی جلو مردم قرار می دهند. در اروپا مثلاً اینطور است، مردم می بینند و انتخاب می کنند (هر چند هر چه هم که احزاب می گویند بعد زیرش می زنند). سئوال این است که آن بخش مذهبی تر مردم یا آنهایی که نگران دین، مذهب و قرآن و کتاب های مذهبی شان هستند، چطور می توانند امیدوار باشند که در عین حال که مسلمان هستند، در حکومت آیند با آنها بعنوان باصطلاح جنس دوم برخورد نمی شود؟ مثلاً می بینیم در جمهوری اسلامی، آن مغازه ای که ارمنی است، روی شیشه مغازه اش می نویسند که کسی که مثلاً مسلمان است وارد آن مغازه نشده و چیزی نخرد که باصطلاح حرام باشد یا غیره. چطور این بخش از جامعه می توانند مطمئن باشند که می

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



گشتهای "امنیتی و انتظامی" گویای وحشت حکومت است

این خشم خود را در کوچه و خیابان و کارخانه و همه جا هرروز و هر ساعت دارند بروز میدهند. روزنامه جمهوری اسلامی خبر داد که از روز سوم خرداد فعالیت گشت پیاده نیروی بسیج در سطح شهرها آغاز می شود. این روزنامه به نقل از معاون عملیات نیروی مقاومت بسیج، نوشته است گردان های عاشورا، گروه های رزمی کربلا و گردان های ذوالفقار پیش قراولان فعالیت گشت های بسیج هستند که آموزش های لازم را در این باره دیده اند، و به صورت گشت های پیاده در مناطق و شهرهای مختلف کشور فعالیت خواهند کرد. روزنامه جمهوری اسلامی، از قول معاون عملیات بسیج، ماموریت این گشت ها را "امنیتی و انتظامی" توصیف کرده، نوشته "در کنار گشتی های مشهود، فعالیت نامشهود بسیج برای خنثی سازی توطئه دشمنان که از سال ها قبل آغاز شده، تقویت خواهد شد." سایت امروز نیز این گزارش را اینطور گزارش داده است: "صدای عدالت در تیتراژ اول از آغاز به کار گشت های بسیج از سوم خرداد، خبر داد و به نقل از سردار ذوالقدر معاون عملیات نیروی مقاومت بسیج نوشت: این گشت ها ۵ نفره و به صورت پیاده در

حکومت اسلامی آشکارا فضای طغیان و شورش از جانب مردم را بوشید است. دست اندرکاران حکومت به تقلا افتاده اند و طرح پشت طرح برای مقابله با مردم به اجرا میگذارند. در کنار "طرح امنیت اجتماعی" و تعرض به دختران و پسران به دلیل "لباس نامتعارف" و هشدار به آرایشگاه ها برای آرایش نامتعارف موی مردان و ممنوعیت ورود کراوات و امثال اینها دیروز خبر گشتهای "امنیتی و انتظامی" نیز منتشر شد که قرار است از امروز سوم خرداد به اجرا گذاشته شود. در میان همه این اقدامات شاید هیچ چیز به اندازه گشتهای "امنیتی و انتظامی" در هزار محله در شهرهای مختلف این وحشت حکومت از مردم را انعکاس ندهد. این تلاشی برای ایجاد یک نوع حکومت نظامی اعلام نشده علیه مردم خشمگین و بجان آمده است که از بگیر و بسند و فقر گرانی و فلاکت به تنگ آمده اند و

هزار نقطه محلات شهری کشور فعالیت خواهند... گشت های بسیج با لباس های متحدالشکلی انجام می شود و به همراه آنان یک نفر ضابط قضایی حضور دارد... محدوده گشت مشخص است و فعالیت آنان از ساعات پایان شب تا طلوع آفتاب با هماهنگی و همکاری نیروی انتظامی و قوه قضائیه خواهد بود... راه حل شناخته شده و قدیمی حکومت ها در برابر فضای شورش و اعتراض های توده ای گسترده همیشه همین بوده است. حکومت نظامی و گشتهای شبانه و تلاش برای ایجاد فضای رعب. این تقلاها قرار است به مردم بگوید ما آماده ایم و از هیچ توحش و سرکوبی دریغ نخواهیم کرد. اما از همین اکنون میتوان شکست محتوم این طرح را نیز بطور قطع پیش بینی کرد. وقتی کار به اینجا میرسد که زن و مرد و پیر و جوان حرفشان اینست که این حکومت باید برود، حکومت نظامی و گشت شبانه و امثال آن هم دیگر چندان کاری از پیش نخواهد برد.

تعرض و اعتراض شدید خانواده های زندانیان سیاسی در سنندج به شاهرودی

هاشمی شاهرودی در سنندج با خشم و اعتراض شدید خانواده های زندانیان سیاسی مواجه شد. شمار قابل توجهی از خانواده ها با در دست داشتن عکسهایی از عزیزان در بند خود در مسجد جامع این شهر که محل سخنرانی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی بود حضور یافتند و با صدای رسا دست به اعتراض زدند و جلسه سخنرانی هاشمی را به هم زدند. بنا به یک گزارش نیروهای انتظامی با معترضین درگیر شدند و در فضایی که ایجاد شد یک زن در زیر دست و پا بیپوش شد. خبرگزاری رسمی البرز گوشه هایی از این فضا را اینگونه بازتاب میدهد: "حضور آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه کشورمان در مسجد جامع سنندج حاشیه هایی از ظاهر شدن خانواده عده ای مجرمین زندانهای استان کردستان را بهمراه داشت. گزارش خبرنگار البرزحاکمیت تعدادی از افراد ناراضی که عمدتاً برخی از اعضای خانواده های آنان به جرم های متعدد قاچاق، فعالیت براندازانه علیه نظام و... محکوم شده اند سعی نمودند با ایجاد هرج و مرج تاثیرات

حضور رئیس قوه قضائیه را در این استان کمرنگ نمایند. برخی از ناراضیان حاضر در مسجد عملاً با ایجاد سروصدا سعی داشتند مامورین حفاظت آیت الله شاهرودی را باواکنش مواجه ساخته و عملاً درگیر نمایند... تعدادی از ناراضیان با در دست داشتن عکس محکومین خود سعی میکردند خود را به نزدیکترین نقطه در مقابل نگاه آیت الله شاهرودی برسانند... تعدادی از این ناراضیان در چند گوشه مسجد هرازگاهی با ایجاد سرو صدا سعی میکردند به کانون توجه حاضرین و مقامات قوه قضائیه در جلسه تبدیل شوند تعدادی از خانواده محکومین که گفته میشود برخی از اعضای خانواده آنها بدلیل فعالیت براندازانه علیه نظام در زندان بسر میبرند سعی فراوانی برای برهم زدن جلسه مینمودند که بخاطر حفظ نظم عمومی جلسه با همکاری نیروی انتظامی به بیرون هدایت شدند... تعدادی از شرکت کنندگان در مراسم سخنرانی رئیس قوه قضائیه در مسجد جامع سنندج هرازگاهی با هیاهو و داد و فریاد سعی در قطع سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرودی داشتند... یکی از حاضرین در جلسه که گویا مشکل قضایی داشت چندین بار با صدای بلند شروع به فریاد کشیدن نمود که با دخالت نیروی انتظامی به بیرون هدایت شد."

اعتراض مردم سنندج به هاشمی شاهرودی بعنوان رئیس یک دستگاه بیرحم بگیر و ببند و سرکوب، سمبل خشم و نفرت و عصبانیت عمیق مردم از کل حکومت توحش و فلاکت مردم حد و انتهایی ندارد و هر جا مقاماتی از حکومت در میان مردم آفتابی میشوند علیرغم وجود گاردها و پلیس و نیروهای انتظامی و دستجات رنگارنگ مسلح مزدور، بروزی آشکار می باید. حرف دل همه مردم همان است که ساکنین آریاشهر تهران با صدای رسا اعلام کردند که "حکومت اسلامی نمیخوایم" و دور نیست روزی که این شعار به فریاد سراسری مردم میلیونی تبدیل شود.

قاتل دانشجویان در ۱۸ تیر تیر نه شد

در آستانه ۱۸ تیر جمهوری اسلامی رسماً سرتیپ فرهاد نظری فرمانده عملیات وحشیانه علیه دانشجویان

در سال ۷۸ را تیر نه کرد. کمیسیون اصل نود مجلس اسلامی رسماً از او قدر دانی کرد. و به این ترتیب به این واقعیت اعتراف نمود که دادگاهی کردن و محاکمه او در واقع زیر فشار اعتراضات دانشجویان و مردم علیه توحش نیروهای انتظامی در کوی دانشگاه بوده است. سرتیپ فرهاد نظری در سال ۷۸ رئیس پلیس تهران بود و در حمله به دانشجویان معترض توحش را به اوج خود رساند. شاهدین از پرتاب کردن دانشجویان از پنجره کوی دانشگاه به بیرون خبر دادند که منجر به مرگ شماری از آنها گردید. با اوجگیری فضای اعتراضی به این جنایت، دولت خاتمی دستور خلع فرهاد نظری و بررسی موضوع را داد. اما خود خاتمی وقتی که پرونده به جریان افتاد به مدح فرهاد نظری پرداخت و گفت که او از چهره های برجسته و مومن انقلاب اسلامی است. اکنون نه سال پس از این جنایت حکومت اسلامی با تیرنه رسمی این سرکرده جنایتکاران میخواهد این پیام را به دانشجویان بدهد که خط و سیاست حکومت در قبال دانشجویان همان است که در سال ۷۸ بود. این را همه میدانستند و علیرغم این هرروز شاهد تظاهرات و اعتراضات دانشجویان در دانشگاههای مختلف هستیم. ۱۸ تیر روزی فراموش نشدنی در تاریخ سیاسی ایران است. نه فقط به خاطر توحش و جنایت نیروهای حکومت علیه دانشجویان و مردم، بلکه مهمتر از آن به دلیل اینکه این روز شاخص و سمبل سرنگونی طلبی عمیق مردم ایران است. ۱۸ تیر روزی است که دهها هزار نفر از دانشجویان و مردم معترض برای اولین بار به جنگ و گریز علنی چندین روزه با نیروهای حکومتی دست زدند و شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" و شعارهای دیگر را سر دادند. ۱۸ تیر فصل تازه ای را در فضای سیاسی ایران گشود که هرروز عمیق تر و توده ای تر و میلیونی تر و رادیکال تر ادامه یافته است. تیرنه سرتیپ فرهاد نظری نیز بیش از آنکه دردی از حکومت را دوا کند، به دانشجویان و مردم ایران این پیام را یادآور میشود که قدرت اعتراض و خشم آنها سران حکومت اسلامی را وادار کرده است که مدت نه سال حداقل بصورت رسمی یکی از چهره های شاخص و مومن و بالای خود را در حالت دادگاهی و محاکمه و خلع درجه نگه دارند. *

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternational.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال
به عهده آرش ناصری است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

در مورد بحران لبنان...

دولت بود و زرایش استعفا داده اند اکنون جناح اکثریت دولت را اداره میکند) تصمیم گرفت که فرماندار امنیتی فرودگاه بیروت را برکنار کند زیرا دولت اعلام کرده است این مقام ارتشی که وابسته به حزب الله است دوربینهایی را در فرودگاه کار گذاشته است تا مقامات دولتی و افراد وابسته به دولت را کنترل و چهره های آنها را شناسایی کند و... همچنین تصمیم دیگر دولت این بوده است که شبکه ارتباط مخابراتی حزب الله که شبکه ای مخصوص و زیر نظر حزب الله اداره میشود را تعطیل کند. این تصمیم دولت مورد اعتراض حزب الله قرار گرفت و حسن نصرالله در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که این تصمیم به معنای اعلام جنگ علیه حزب الله است. بلافاصله بعد از این کنفرانس مطبوعاتی جنگ و درگیری در بیروت شروع شد و به سرعت به شهرهای دیگر از جمله طرابلس هم کشیده شد.

کانال جدید: بعد از دخالت

ارتش که گفته بود این تصمیم دولت مبنی بر خلع فرمانده امنیتی فرودگاه را موقتاً لغو میکند و در مورد شبکه مخابراتی هم تحقیق میکند، حزب الله نیروهای مسلحش را از خیابانها جمع کرده و اکنون ارتش امنیت را در دست گرفته است. موضوع چیست؟

محمد آسنگران: این

تصمیمات به دنبال عقب نشینی دولت در مقابل تعرض و جنگ مسلحانه ای که حزب الله آغاز کرد اتفاق افتاد. میدانیم که حزب الله با آغاز جنگ بخش عمده ای از بیروت را به کنترل خود در آورد و با جنگ و درگیری خیابانی دهها نفر کشته شدند. برای آرام کردن این اوضاع

و ریشه این جنگ را توضیح داد.

کانال جدید: آمریکا گفته است

این جنگ لبنان به دلیل دخالتها و خواست ایران است که اتفاق افتاده است. ایران متقابلاً گفته است به دلیل دخالت آمریکا و اسرائیل است. شما چه فکر میکنید؟

محمد آسنگران: واقعیت این

است که هر دو درست میگویند. این درست است که این جنگ به دلایل محلی میتواند شدت و ضعف خود را داشته باشد و درگیرها بالا پایین برود. اما اصل این جنگ جنگی است میان اسلام سیاسی برای سهم خواهی بیشتر با قدرتهایی که مانع آن میشوند. مثلاً مانع جریانات اسلامی در فلسطین الفتح و محمود عباس و اسرائیل هستند. جای دیگری فواد سنوره و در جایی مثل عراق میبینیم که وضع طور دیگری است و متحدین و مخالفین آمریکا بر اساس این معیار که چه کسی مانع سهم خواهی بیشتر اسلام سیاسی ضد غرب و یا ضد آمریکا است، تعیین میشوند. در عراق حاکمین کشور عراق جریانات اسلامی متحد آمریکا هستند. همین جریانات مانع کسب قدرت دیگر جریانات اسلامی مخالف آمریکا هستند. جریانات اسلامی به دو دسته متحدین و مخالفین آمریکا تقسیم شده اند. آمریکا هم با متحدین خود هر چند اسلامی و تروریست باشند مشکلی ندارد.

در عین حال کسی نمیتواند نقش جمهوری اسلامی در برافروختن این جنگ را انکار کند. زیرا جمهوری اسلامی در تبلیغات و اقداماتش اعلام کرده است که رسماً از حزب الله و حماس حمایت میکند اگر چه منکر دخالت مستقیم در جنگ است اما جنگ آنها را عادلانه و حمایت میکند. کمکهای جمهوری اسلامی و دیگر جریانات از جمله حتی سوریه به جریاناتی مثل حزب الله چیزی نیست که تحلیل کنیم این یک واقعیت و یک فاکت است. منتها از طرف دیگر اگر به جامعه نگاه کنید نارضایتی عمیقی وجود دارد در همین لبنان قبل از شروع جنگ حزب الله علیه دولت، کارگران در اعتراض به تعیین حداقل دستمزد به اعتصابات وسیعی دست زدند. این اعتصاب علیه تصمیمی بود که دولت فواد سنوره گرفته بود. میخوام بگویم موضوع پیچیده تر از این است که عامل

اصلی این جنگ را ایران یا آمریکا بدانیم. بنابر این هم جامعه علیه حاکمان در حال اعتراض است و هم اینکه کشمکشهای دو قطب تروریستی اسلام سیاسی و آمریکا و متحدینش از این مسایل محلی و منطقه ای دارند استفاده خودشان را میکنند.

کانال جدید: آیا لبنان راه حل داخلی دارد؟

محمد آسنگران: راه حلهای محلی قطعاً میتواند راه حل معین و مسکنی باشد. اما این راه حلهای محلی نمیتواند این کشمکش را تعیین تکلیف کند. قطعاً کشمکشهای عمومی تر و عمیق تری این جدالهای محلی را شکل میدهند. مثلاً کمکهای آمریکا به یک جناح و کمکهای جمهوری اسلامی و سوریه به جناح مقابل مرتب آتش جنگ را باد میزنند و تلاش میکنند آتش جنگ را شعله ور نگهدارند. متأسفانه این جنگها هر آن میتوانند بخشی از جامعه را در خود بسوزاند. مسله اصلی این است تا هنگامیکه مردم منطقه از جمله مردم لبنان، مردم فلسطین و عراق و افغانستان و ایران و... از دست این دو قطب تروریستی خلاص نشوند و جبهه سوم، جبهه مردم آزادیخواه و جبهه بشریت مدرن این دو قطب را کنار نزنند و حاشیه ای نکنند، متأسفانه هر روز احتمال جنگ در این یا آن نقطه وجود دارد. بنابر این این یک واقعیت است که جمهوری اسلامی مستقیم دارد دخالت میکند و از آنطرف هم آمریکا هم همین کار را میکند. یکی از نمونه های بارز دخالت جمهوری اسلامی استناد به مصاحبه انیس نقاش است. او یکی از تروریستهای لبنانی بود و دولت فرانسه او را به جمهوری اسلامی تحویل داد. در یک مصاحبه به تفصیل از جمهوری اسلامی تجلیل کرده گفته بود که چگونه نقش اصلی را در دست کردن حزب الله و تقویت جریانات اسلامی بازی کرده و میکند. او که خود یکی از مسولین نظامی در دوران یاسر عرفات بوده توضیح میدهد که ۳۰-۴۰ سال قبل مبارزین آن هنگام غالباً چپ یا ناسیونالیست بودند. اما بعد از سر کار آمدن جمهوری اسلامی کل این فضا به نفع جریانات اسلامی تغییر میکند و... حتی در جریان جنگ دو سال

قبل حزب الله با اسرائیل رهبران جمهوری اسلامی رسماً اعلام کردند که خود خامنه ای برای شروع جنگ دخالت مستقیم داشته است و...

کانال جدید: اگر مسله این

چنین ابعاد بین المللی دارد و تعیین تکلیف در مورد لبنان یک دعوی

سراسری تر و وسیعتر بین تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی است، آیا انسانهای سکولار، آزادیخواه و

کارگران آنجا به تنهایی میتوانند از پس این جنگهای قومی، محلی و جنگ بین سنی و شیعه و مسیحی و... بر بیایند؟

محمد آسنگران: طبعاً اکنون

مشکلاتی واقعی وجود دارد. اگر واقع بینانه نگاه کنیم، برای پیشروی در این راستا و برای موفقیت در این زمینه احزاب سکولار، رادیکال و چپی لازم هستند. اکنون باید با تاسف بگویم در فلسطین، عراق و لبنان چنین جریاناتی بطور برجسته و مطرح وجود ندارند. اگر هم هستند بسیار ضعیف و صدایشان به جایی نمیرسد. اما تنها مکانی و کشوری که بشریت این شانس را دارد ایران است. در ایران هم مردم توهمی به اسلام و اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ندارند، هم پرچم اعتراض مردم پرچی رادیکال و انسانی است و هم حزب چپ و برجسته و مطرحی در آن جامعه هست. در کشورهای دیگر که این کشمکش در جریان است متأسفانه باید بگویم جنگ و خونریزی میتواند سالها طول بکشد. تا هنگامی که جنبشهای مدرن و سکولار و چپ دست بالا پیدا نکنند این مشکل میتواند ادامه داشته باشد.

اینکه مردم میتوانند، بله حتماً میتوانند. اما شرط این است که احزاب و شخصیتهای سیاسی برجسته و مطرحی در این جومع رو بیایند که سکولار باشند و چپ و انسانیت و مدرنیسم را نمایندگی کنند. بتوانند شکلی به اعتراضات مردم بدهند و به سمت رهایی و آزادی هدایتش کنند. کاری کنند که اعتراضات مردم را از زیر چنگ و بال اسلامپها و ناسیونالیستها از زیر بیرونش بکشند. چنین جریاناتی باید به خواسته ها و مطالبات واقعی مردم برای رهایی و آزادی رجوع کنند.

کمک مالی به حزب

از طریق بانو مخبر	۵۰۰ دلار
بهرام کلاهی	۱۰۰ دلار
فریدون فرهی	۵۰۰ دلار
جلیل جلیلی	۲۰۰ پوند
شهیل شریفی	۲۰۰ پوند
جمع آوری شده توسط کیمیا پازوکی	۵۰۰ کرون

از صفحه ۲ هفت تپه ، در سها...

به مساله سازمان دادن توده کارگران در اشکال مختلف، بعنوان يك مساله بسیار اضطراری و مبرم برخورد کنند و از فضای کنونی برای عملی کردن آن بیشترین استفاده را ببرند.

اهمیت این اعتصاب و ضرورت حمایت از آن:

اعتصاب نیشکر هفت تپه يك واقعه مهم است. مربوط به غذای شب چندین هزار خانواده کارگری است. علیه زندانی کردن و پرونده سازی علیه فعالین کارگری است. برای بیرون انداختن عوامل سرکوب از کارخانه است. اینها خواستهای همه کارگران در سراسر کشور است. در فضای که رژیم تمام قدرت خود را برای ارباب و ساکت کردن مردم به کار انداخته است، این اعتصاب و تجمعات و راهپیمائی های کارگران و مردم شوش تو دهنی بزرگی به رژیم و طرحهای سرکوبگرانه اش بوده است. این مبارزه، از نظر اشکال مبارزه و خواستهای خود الگویی برای همه کارگران است. بویژه راهپیمائی باشکوه با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، عرصه مبارزه برای آزادی کارگران و زندانیان

نقش جوانان و مردم شهر شوش در پیروزی این مبارزه بسیار حائز اهمیت است. شرکت آنها در راهپیمائی های کارگران بعد دیگری به این مبارزه داد و آثرا از يك مبارزه محدود فراتر برد. اما راههای متنوعی برای تقویت این مبارزه وجود دارد. در واقع اتفاقی که در شوش افتاد فقط عروج يك مبارزه مختص کارگران نبود. کل مردم شهر به نوعی در رویارویی با حکومت قرار گرفتند و گوشه ای از اتحاد و قدرت خود را به نمایش گذاشتند. اکنون وقت سازمان دادن و فراتر رفتن از این نقطه است. بویژه جوانان میتوانند کمیته ها و جمع های همبستگی با کارگران نیشکر را ایجاد کنند. با جوانان و مردم در شهرهای اطراف تماس بگیرند و آنها را به حمایت از خواست ها و مبارزه کارگران نیشکر تشویق کنند. اخبار و گزارشات این مبارزه و بیانیه ها و خواستهای کارگران را همه جا منعکس کنند. همبستگی کارگران و معلمان و دانشجویان شهرهای اطراف را به این مبارزه جلب کنند. تصاویر مبارزه و رهبران آنها را همه جا پخش کنند. این نه تنها در تقویت این مبارزه معین نقش مهمی دارد بلکه همچنین، کل فضای شهر را

صحتی هم با جوانان و مردم شوش:

برای سایر مبارزات مردم و رویارویی های بعدی با رژیم و ارگانهای سرکوبش آماده میکند، مردم را به هم میبندد و پیوند میدهد و بین تمام مردم زحمتکش و محروم همبستگی ایجاد میکند. خود جوانان و مردم کارگران نیشکر هم هست. از جمله کار یا بیمه بیکاری مکفی برای همه جوانان و مردم آماده بکار، افزایش دستمزدها برای يك زندگی انسانی. بویژه شهر شوش يك شهر کارگری است و فقر و محرومیت و بیکاری در آن پدیدار میکند. اینها را باید همه جا طرح کرد، بصورت پلاکارد در تجمعات برافراشت، بصورت شعار همه جا نوشت، و تعداد هرچه بیشتری از جوانان دختر و پسر و مردم زحمتکش و حق طلب را به گرد آنها متحد و یکپارچه کرد. دوره مبارزات وسیع مردم حول خواستهای مختلف اقتصادی و سیاسی بسرعت فرامیرسد و هرچه مردم سازمان یافته تر و آماده تر باشند، این مبارزات باشکوه تر، قدرتمندتر، آگاهانه تر و نقشه مندتر خواهد بود. بگذار رژیم ببیند که جوانان هم دارند جبهه جدیدی در شوش باز میکنند و خود را در منگنه يك مبارزه همه جانبه و وسیعا توده ای ببینند.

نژاد، جنسیت و غیره کور است و اینها را در نظر نمی گیرد. جمهوری اسلامی اما، کاملاً بر عکس است. ایدئولوژی این حکومت اسلام است و مسلمانان را کاملاً بر دیگران برتر میدانند. اقلیت هایی مثل بهائیان، یهودیان و غیره بطور رسمی تحت تحقیراند. بسیاری شان به زندان افتاده یا فراری اند و یا حتی اعدام شده اند آنها فقط به این دلیل که مذهب دیگری دارند و بی مذهبی به هیچ عنوان در جمهوری اسلامی تحمل نمی شود. فرض کنید اگر فردی که در خانواده مسلمان بدنیا آمده اعلام کند که مسلمان نیست، بعنوان يك مرتد محکوم به اعدام می شود و خون اش در قوانین

در قوانین وجود داشته باشد و اصولاً منشأ مشروعیت قوانین هم هیچ مذهبی نیست بلکه انسانیت، انسان دوستی و برابری طلبی است. انسان دوستی دقیقاً به این معنا که شما نسبت به اینکه يك انسان چه نژادی دارد، چه رنگ پوست و مذهبی و چه ملیتی دارد، کاملاً بی تفاوت باشید. حکومت به هیچ عنوان نباید اینها را در نظر بگیرد. "شهروند" در جمهوری سوسیالیستی، بعنوان يك انسان کاملاً متساوی الحقوق، مستقل از مذهب، عقاید شخصی و ایدئولوژی شخصی اش و یا مستقل از نژاد و جنسیت اش، شهروند است. برابر است و به اعتبار دیگر، قانون نسبت به تمامی این ناسیونالیسم، مذهب،

از صفحه ۳ مذهب و جمهوری اسلامی...

خاصی ندارد، بلکه پایه و اساس این برنامه، برابری، رفاه و آزادی است. "انسانیت" است. این مضمون برنامه "يك دنیای بهتر" است که ما معتقدیم باید اساس و مبنای جمهوری سوسیالیستی قرار بگیرد. ما بعنوان حزب کمونیست کارگری، کوشش می کنیم که يك چنین برنامه ای که ناظر بر آزادی و برابری و رفاه کلیه انسانها است مینا قرار بگیرد و به تصویب شوراهای برسد. ما می خواهیم و تلاش می کنیم که قوانین نسبت به مذهب کور باشند، یعنی هیچ نوع تبعیض - مثبت یا منفی - بر له یا علیه هیچ نوع مذهبی، نباید

توانند فرائض دینی شان را به جا آورند و کسی مزاحم آنها نمی شود؟ **حمید تقوایی:** خب روشن است که وضعیت امروز در ایران به این دلیل است که يك رژیم اسلامی حاکم است. در مقابل این وضعیت، جمهوری سوسیالیستی که ما خواهان آن هستیم متکی بر حکومت شوراهای مردم است و از هیچ نوع ایدئولوژی تبعیت نمی کند. مردم می توانند به قوانینی که ما اعلام کرده ایم و رؤس اش را هم به تفصیل در برنامه "يك دنیای بهتر" نوشته ایم، رجوع کنند و ببینند که هیچ ربطی به هیچ نوع ایدئولوژی

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بیش از دو هفته است که ادامه دارد. لحظه به لحظه این مبارزه باشکوه در اطلاعیه های متعدد حزب منعکس شده است. اینجا فقط تعدادی از این اطلاعیه ها چاپ میشود. برای خواندن اطلاعیه های دیگر حزب به سایت روزنه مراجعه کنید. www.rowzane.com

"الان همه ما نماینده هستیم"

کارگران نیشکر هفت تپه امروز هم دست به راهپیمائی زدند
حضور خانواده های کارگران گسترش می یابد
جوانان و مردم شوش بار دیگر به صف کارگران پیوستند

انتخاب کنید تا با آنها صحبت کنیم. کارگران گفتند سال قبل نماینده انتخاب کردیم شما دارید آنها را محاکمه میکنید. الان همه ما نماینده هستیم. و تا پاسخ خواستهای ما داده نشود به تجمع و اعتراض پایان نخواهیم داد. کارگران پس از یکساعت قرار گذاشتند روز دوشنبه نیز دست به تجمع بزنند و به تجمع و راهپیمائی خود پایان دادند. حزب کمونیست کارگری به کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده های آنها و به جوانان و مردم آزادیخواه شهر شوش درود میفرستد و همه مردم شوش و کارگران و مردم شهرهای اطراف را به پیوستن به تجمعات اعتراضی کارگران فرامیخواند. خواست کارگران هفت

تپه خواست میلیونها نفر در سراسر کشور است و باید از جانب همه مردم مورد حمایت قرار گیرد. یادآوری میکنیم که روز ۳۱ اردیبهشت قرار است رهبران کارگران را دادگاهی کنند و به جرم مبارزه علیه این شرایط ظالمانه و غیرانسانی محاکمه کنند. این روز را باید به نمایش همبستگی همه مردم با کارگران و روز محاکمه فقر و بیحقوقی، به روز محاکمه این نظام غیرانسانی و نکبت بار تبدیل کنیم. همه جا باید فریاد اعتراض مردم به دادگاهی کردن کارگران هفت تپه بلند شود. همه جا باید با کارگران هفت تپه اعلام همبستگی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مه ۲۰۰۸، اردیبهشت ۱۳۸۷

کارگران راهپیمائی را پس از یک ساعت پایان دادند تا مانع حمله نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی شوند. تعداد تجمع کنندگان در ابتدا ۳۵۰۰ نفر بود که با پیوستن مردم و عمدتاً جوانان تعداد آنها به ۵۰۰۰ نفر رسید. فرماندار به میان کارگران آمد و تلاش کرد تا باز هم کارگران را سر ببلواند و مبارزه آنها را منحرف کند. از کارگران خواست که نماینده

مردم بویژه جوانان شوش به صف کارگران پیوستند. تجمع از ساعت ۸ صبح در محل پل زیر کتر، پل اهواز دزفول، شروع شد. کارگران سپس بطرف فرمانداری دست به راهپیمائی زدند. در طول راه کارگران شعار میدادند: "معیشت منزلت حق مسلم ما است"، "پرونده قضائی مختوم باید گردد"، "مدیر حراست اخراج باید گردد"، "کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم".

امروز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت کارگران نیشکر هفت تپه بار دیگر دست به تجمع و راهپیمائی زدند و شعار دادند و عزم خود را برای تداوم مبارزه اعلام کردند. در تجمعات اخیر، خانواده های کارگران نیز شرکت دارند و هرروز نقش فعالتری در تجمعات ایفا میکنند. در تجمع و راهپیمائی روز یکشنبه حضور آنها از روزهای قبل چشمگیرتر بود. در راهپیمائی امروز تعداد زیادی از



کارگر زندانی آزاد باید گردد

دادگاه فعالین کارگران هفت تپه ناتمام گذاشته شد

امروز نیز هزاران نفر دست به راهپیمائی در شهر شوش زدند

ابتدا دو هزار نفر از کارگران راهپیمائی را شروع کردند اما جوانان و مردم آزادیخواه شوش به آنها پیوستند و صف کارگران به ۶۰۰۰ نفر رسید. کارگران ناتوانی رژیم از محکوم کردن کارگران را نتیجه مبارزه گسترده خود میدانند و اعلام کردند که تا تحقق کلیه خواستههایشان به اعتصاب و تجمع ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری همراه با کارگران هفت تپه و جوانان و مردم

کارگران و جوانان و مردم شهر دست به تجمع درمقابل فرمانداری زدند و سپس راهپیمائی کردند و شعار دادند: کارگر زندانی آزاد باید گردد، معیشت زندگی حق مسلم ماست، پرونده سازی علیه کارگران را متوقف کنید، مدعی عدالت خجالت خجالت، حقوق ماهیانه حق مسلم ماست، کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد، زبنداری استعفا استعفا. نیروهای سرکوب رژیم در محل مستقر بودند. لباس شخصی های مزدور حکومت نیز همه جا پراکنده بودند. کارگران با شعار دادن بر خواستههای خود پافشاری کردند. لازم به توضیح است که روز گذشته نیز در

خواهان پایان دادن به هرنوع احضار و دادگاهی کردن کارگران و پایان دادن به پرونده سازی علیه کارگران هستند. شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد که در راهپیمائی دیروز و امروز توسط هزاران نفر از کارگران سر داده شد، جوهر اعتراض کارگران به پرونده سازی و تعقیب کارگران و لغو همه پرونده ها را، نه تنها علیه کارگران نیشکر بلکه همه فعالین کارگری در سراسر کشور، به نمایش گذاشت. همزمان با دادگاه تعدادی از کارگران در مقابل دادگاه تجمع کردند و رفقای کارگر خود در دادگاه را مورد حمایت قرار دادند. در شهر شوش نیز هزاران نفر از

همانطور که در اطلاعیه قبل به اطلاع رسید امروز دادگاه ۵ فعال کارگری هفت تپه فریدون نیکوفرد، علی نجاتی، جلیل احمدی، محمد حیدری مهر و رمضان علیپور و همچنین ابوالفضل عابدینی خبرنگار، در شهر دزفول برگزار شد. جمهوری اسلامی اما در شرایطی که کارگران در حال اعتراض و راهپیمائی و در اوج مبارزه خود هستند، جرات نکرد کارگران را محکوم کند و عملاً دادگاه به یک جلسه تقلیل داده شد. هدف جمهوری اسلامی این است که در شرایطی دیگر مجدداً کارگران را به دادگاه بکشاند و محاکمه کند. کارگران اما

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۲۰ مه ۲۰۰۸

در اول ماه مه سال گذشته، موفق به دیدار با آیت الله شاهرودی شد. در این دیدار پس از صحبت های صدیق کریمی، معاون آیت الله شاهرودی نامه ای را جهت بررسی مجدد پرونده به دادگاه تجدید نظر استان کردستان نوشت که صدیق کریمی آنرا قبول نکرد و مجدداً شروع به صحبت نمود که پس از پایان صحبت هایش، آیت الله شاهرودی بطور مکتوب دستور

سنندج، صدیق کریمی یکی از رهبران اتحادیه آزاد کارگران ایران با شاهرودی دیدار و خواهان لغو احکام صادره علیه کارگران بازداشتی اول مه پارسال شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران در مورد این دیدار چنین گزارش داده است: "با پیگیریهای اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در سنندج و تلاش دو روزه آنان، امروز صدیق کریمی به نمایندگی از طرف تمامی کارگران بازداشت شده

یک پیروزی مهم برای کارگران و مردم سنندج

اعتراض شدید مردم سنندج و خانواده های زندانیان به شاهرودی احکام شلاق و زندان کارگران بازداشتی اول مه پارسال سنندج لغو شد

جامع را به میدانی برای افشای سیاستهای رژیم اسلامی تبدیل کردند. مردم خواهان آزادی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری شدند. به دنبال این اعتراض شدید مردم

مسجد جامع این شهر با در دست داشتن عکس زندانیان سیاسی در اعتراض به احکام ضد انسانی دادگاه های جمهوری اسلامی، چندین بار سخنرانی شاهرودی را قطع و مسجد

دو روز گذشته روزهای پر هیجانی برای مردم سنندج بود. شاهرودی رئیس قوه قضائیه رژیم اسلامی مورد اعتراض شدید مردم و کارگران این شهر قرار گرفت. مردم سنندج در

اتحادیه پست کانادا

خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شد از کارگران هفت تپه و کیان تایر حمایت کرد و خواهان آزادی کلیه کارگران زندانی شد

در کنگره اتحادیه کارگری پست کانادا که در ماه آوریل با حضور ۷۰۰ نفر از نمایندگان شعبه های مختلف این اتحادیه برگزار شد، هیئت از حزب کمونیست کارگری ایران، داود آرام و سیاوش آذری بعنوان میهمان شرکت کردند و پیام حزب را به کنگره ارائه دادند که در آنجا قرائت شد. هیئت حزب همچنین قطعنامه ای در دفاع از کارگران ایران و علیه سرکوبگرهای جمهوری اسلامی بصورت اضطراری به این کنگره ارائه داد که به تصویب کنگره رسید. در این قطعنامه اعلام شده است که جمهوری اسلامی



صلاحیت شرکت در سازمان جهانی کار را ندارد و باید اخراج شود. همچنین جمهوری اسلامی بخاطر حملات وحشیانه به کارگران کیان تایر (لاستیک البرز) و شلاق زند کارگران به جرم شرکت در مراسم اول مه بعنوان یک رفتار ضدانسانی محکوم شده و خواسته شده که حقوقهای معوقه کارگران فوراً

پرداخت شود، و همه کارگران زندانی فوراً آزاد شوند و کلیه اتهامات و وثیقه ها علیه کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر فعالین کارگری لغو گردد.

متن قطعنامه به شرح زیر است:

پلیس ضد شورش حوالی ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه غروب روز شنبه ۱۲ آوریل دروازه کارخانه لاستیک سازی کیان تایر که در اطراف تهران واقع شده، را شکست و از در و دیوار وارد کارخانه شده تا صد ها نفر از کارگران اعتصابی که حقوق ۵ تا ۸ ماه عقب افتاده خود را طلب می کردند، را بزور از آنجا متفرق کنند. کارگران را

دستگیر کردند و تکت زنده به حدی که تعدادی از آنان نیازمند مداوا در بیمارستان بودند. همینطور ۶ نفر از کارگران آتش نشانی که از رها کردن آب جوش به کارگران تظاهر کننده خودداری کردند، دستگیر شدند.

۱ اتحادیه کارگران پست کانادا جمهوری اسلامی ایران را بخاطر حملات وحشیانه به کارگران کیان تایر تهران محکوم می کند. کارگران دستگیر شده فوری و بدون قید و شرط باید آزاد شوند. حقوق های پرداخت نشده بدون هیچ گونه تاخیر بیشتر باید پرداخت شوند.

۲ اتحادیه کارگران پست کانادا شلاق زند کارگران بخاطر برگزاری جشن اول ماه مه را یک جرم محسوب می کند و قویا این خشونت خونین و ضد انسانی را محکوم می نماید.

۳ اتحادیه کارگران پست کانادا خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو می باشد و همینطور خواهان لغو تمام اتهامات

و وثیقه ها علیه رهبران کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر واحد های تولیدی می باشد.

اتحادیه کارگران پست کانادا جمهوری اسلامی را برای عضویت در سازمان جهانی کار حائز صلاحیت نمی داند. بنابراین خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار می باشد.

اتحادیه کارگران پست کانادا بدینوسیله همبستگی خود با کارگران و مردم ایران برای رفاه، آزادی و برابری را اعلام میکند. اتحادیه کارگران پست کانادا همچنین کلیه سازمان های کارگری جهان را فرا می خواند تا همواره از مبارزات و مطالبات کارگران در ایران دفاع کرده و رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمایند.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ مه ۲۰۰۸

همبستگی کارگری با کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران لوله سازی اهواز و ایران خودرو نیز با کارگران نیشکر اعلام همبستگی کردند

شاهو و جمعیهایی از کارگران: کارخانه نساجی کردستان، پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه، کارخانه نیرو رخش، کارخانه پیریس، پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه، آجر پزی سنندج، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و

کارگران شهر صنعتی قم. این حمایت ها هرچه بیشتر باید گسترش یابد و به یک حرکت سراسری تبدیل شود. فردا قرار است حکومت اسلامی، یعنی عاملین فقر و فلاکت

کارگران لوله سازی اهواز و جمعی از کارگران ایران خودرو طی بیانیه های جداگانه ای برخورد سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و پاسخ ندادن به کارگران نیشکر هفت تپه را شدیداً محکوم کردند و با کارگران نیشکر اعلام همبستگی کردند. قبلاً نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران و مراکز کارگری زیر طی بیانیه ای از کارگران هفت تپه حمایت کرده بودند:

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران کارخانه

باید محاکمه شود این سران رژیم جنایتکار اسلامی هستند که حتی نان خالی را از سفره کارگران دزدیده اند و مردم را به گرسنگی کشانده اند. سران حکومت اند که رهبر و سازمانده استعمار و فساد و دزدی و چپاول کارگران و مردم محروم و زحمتکش اند و باید به پای میز محاکمه کشیده شوند. این سران حکومت اند که تنها پاسخشان به خواست بحق مردم باتوم و شلاق و زندان و دادگاه است.

مبارزه شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه، سران حکومت را به محضه کشانده است. ممکن است فردا ۳۱ اردیبهشت بخواهند با اعلام اینکه رئیس دادگاه حضور

مردم، عاملین بیکاری و محرومیت اکثریت عظیم مردم، عاملین این وضعیت نکبت باری که به سر اکثریت مردم آورده اند کارگرانی را که به جرم اعتراض به این وضعیت دست به اعتصاب و اعتراض زده اند را به میز محاکمه بکشانند. باید با سازماندهی یک حرکت وسیع و سراسری در سراسر کشور اعلام کنیم که دست حکومت و وزارت اطلاعاتش، دست دادگاه و ارگانهای حراست و سرکوش از سر کارگران و مردم کوتاه. اعلام کنیم که اگر کسی

نداشت محاکمه را به تعویق بیندازند و در شرایط دیگری برگزار کنند و یا دست به هر توطئه و فریب و نیرنگ دیگری بزنند. نباید گذاشت از این محضه بیرون بروند. باید بر خواست صریح لغو همه پرونده ها و پایان دادن به اذیت و آزار و تهدید و دستگیری رهبران کارگران نیشکر هفت تپه و سایر مردم حق طلب پایان داده شود. این خواست همه مردم در سراسر کشور است و حول آن و همراه با کارگران نیشکر هفت تپه باید به یک حرکت سراسری تبدیل شود و بر پرچم همه کارگران و مردم معترض و حق طلب نقش بندد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اردیبهشت ۲۰۰۸، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

از صفحه ۷ یک پیروزی مهم ...

لغو احکام تمامی کارگران بازداشت شده در اول ماه مه سنندج را صادر کرد.

لازم به یادآوری است که در جریان اعتراض مردم سنندج و خانواده های زندانیان، نیروهای انتظامی و نیروهای حفاظت از شاهرویی در مقابل نفرت و اعتراض مدام مردم دست و پای خود را گم کرده و سراسیمه شده بودند. چندین بار سخنرانی شاهرویی با صدای اعتراض مردم قطع و خانواده ها با در دست داشتن عکس زندانیان خواهان آزادی آنها شدند. "البرز"

یکی از سایت های وابسته به رژیم اسلامی در این مورد چنین نوشته است:

"تعدادی از خانواده محکومین که گفته میشد برخی از اعضای خانواده آنها بدلیل فعالیت براندازانه علیه نظام در زندان بسر میبرند سعی فراوانی برای برهم زدن جلسه مینمودند که بخاطر حفظ نظم عمومی جلسه با همکاری نیروی انتظامی به بیرون هدایت شدند. *تعدادی از شرکت کنندگان در مراسم سخنرانی رییس قوه قضاییه در مسجد جامع سنندج هرازگاهی با

هیاهو و داد و فریاد سعی در قطع سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرویی داشتند. برخی از ناراضیان حاضر در مسجد عملاً با ایجاد سروصدا سعی داشتند مأمورین حفاظت آیت الله شاهرویی را باواکنش مواجه ساخته و عملاً درگیر نمایند. تعدادی از این ناراضیان در چند گوشه مسجد هر از گاهی با ایجاد سرو صدا سعی میکردند به کانون توجه حاضرین و مقامات قوه قضائیه در جلسه تبدیل شوند. حضور مردم و نامه های آنان به رییس قوه قضاییه به حدی بود که از همان بلو ورود وی به سنندج خیل عظیمی از نامه ها بویسله ی محافظان و همراهان آیت الله هاشمی

شاهرویی جمع آوری شد. " همین گزارش سایت حکومتی نشان میدهد که اعتراضات مردم سنندج در چه ابعادی بوده و تا چه حد مقامات رژیم اسلامی مورد نفرت مردم هستند. جمهوری اسلامی و سران جانی این رژیم باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. این جانبان را باید به زیر کشید و عزیزان در بند را از چنگ آنها آزاد کرد.

کمیته کردستان حزب این اقدام جسورانه و این درایت و همبستگی مردم سنندج را ارج مینهد. لغو احکام کارگران بازداشتی اول مه پارسال را به همه مردم و کارگران و

بویژه به فعالین کارگری سنندج تبریک میگوید. این پیروزی باید سر آغاز تعرض مردم و کارگران به رژیم اسلامی برای آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله کارگران بازداشتی اول مه امسال جوانمیر مرادی و طه آزادی باشد. یک بار دیگر ما این پیروزی را به همه کارگران و مردم سنندج تبریک میگوییم.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ خرداد ۱۳۸۷ - ۲۲ مه ۲۰۰۸